

پیش بینی ویژگی‌های شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با پنج عامل بزرگ شخصیت والدین

محمد ناظر^۱، محمدرضا مختاری^{۲*}، احمدرضا صیادی^۳، فاطمه مشایخی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۹

خلاصه

مقدمه: رشد و شکل‌گیری شخصیت، تحت تأثیر عوامل متعدد ژنتیکی و محیطی است. نحوه رفتار، ریشه در شخصیت دارد بنابراین تعامل والد- فرزند تحت تأثیر شخصیت طرفین قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر با هدف پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با پنج عامل بزرگ شخصیت والدین انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی، ۲۹۶ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۳ به شیوه تصادفی انتخاب و وارد مطالعه شدند. پرسشنامه‌ها به شکل فایل‌های الکترونیکی به ایمیل منتخبین ارسال گردید. دانشجویان و والدین آنها، پرسشنامه شخصیت نئو و والدین پرسشنامه فرزندپروری بامریند را نیز تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری تی مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: بعد شخصیتی تجربه‌گرایی پدران با بعد شخصیتی توافق‌پذیری فرزندان ارتباط معنی‌دار و معکوس ($p < 0/001$) و با برون‌گرایی فرزندان ارتباط معنی‌داری ($p = 0/045$) داشت. در میان ابعاد شخصیتی مادران، برون‌گرایی مادر با برون‌گرایی فرزند ($p < 0/001$)، تجربه‌گرایی مادر با تجربه‌گرایی فرزند ($p = 0/002$)، توافق‌پذیری مادر با برون‌گرایی فرزند ($p = 0/006$) و وظیفه‌شناسی مادر با برون‌گرایی ($p < 0/001$) و توافق‌پذیری ($p = 0/008$) فرزند ارتباط معنی‌داری داشت. بعد شخصیتی برون‌گرایی فرزندان بر اساس سبک فرزندپروری منطقی مادر و بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری منطقی و مستبد والدین قابل پیش‌بینی بود.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد یکی از عوامل مرتبط با شخصیت فرزندان، الگوهای شخصیت والدین باشد. نتایج چنین مطالعاتی روان‌شناسان را در امر آموزش و والدین را در امر رفتار صحیح جهت تربیت بهتر فرزندان برای شکل‌گیری شخصیت بهینه در آنها کمک شایانی خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، سبک فرزندپروری، والدین، فرزندان

۱- استادیار، گروه روان‌پزشکی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

پست الکترونیکی: armokhtaree@yahoo.com تلفن: +۹۸۳۴۳۴۲۶۰۰۸۰

۳- مربی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۴- دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

مقدمه

شخصیت، مجموعه‌ای از الگوهای پایدار فرد در ادراک، شناخت و روابط بین‌فردی است؛ نوعی سبک قابل پیش‌بینی در طرز تفکر، احساس و رفتار، که از ارتباط نزدیک عوامل زیستی، تجربه‌های آغازین زندگی، روند تکامل شخصی و تأثیرات بین‌فردی، اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید. از منظر روان‌شناختی، واژه «شخصیت»، تمامیت فرد، عادات و کنش‌های روانی او را نشان می‌دهد. مفهوم شخصیت در روان‌شناسی یک مفهوم رایج و معمول و درعین‌حال فوق‌العاده پیچیده است که موجب شده به شیوه‌های مختلفی تعریف و مورد بررسی قرار گیرد. برخی به جنبه‌های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی شخصیت، برخی به عکس‌العمل‌های رفتاری و رفتارهای مشهود، برخی به فرایندهای ناهشیار و رفتار آدمی و برخی به ارتباط‌های متقابل افراد با یکدیگر و نقش‌هایی که در جامعه بازی می‌کنند توجه نموده و شخصیت را بر همان مبنا تعریف کرده‌اند [۱].

Cattell & Eysenck با استفاده از روش تحلیل عاملی، فهرست‌های مختلفی از صفات شخصیت به دست آوردند که از نظر تعداد با یکدیگر تفاوت داشتند. در این بین، نظریه Eysenck بسیار ساده است درحالی‌که در نظریه کتل، عوامل و صفات متعدد و مختلفی مد نظر قرار گرفته است. McCrae & Costa که در مرکز پژوهش پیری‌شناسی موسسه ملی تندرستی در بالتیمور «مریلند» فعالیت داشتند برنامه‌ای در پیش گرفتند که پنج عامل بزرگ شخصیت را شناسایی کرد: روان‌رنجوری (Neuroticism)، برون‌گرایی (Extraversion)، تجربه‌گرایی (Openness to experience)، توافق‌پذیری (مقبولیت) (Agreeableness) و وظیفه‌شناسی (Conscientiousness). این مدل، از جمله بانفوذترین و مهم‌ترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر بوده و اکثر تحقیقات در سراسر دنیا با این مدل انجام شده است. McCrae & Costa پرسشنامه‌ای برای ارزیابی خصوصیات پنج بعد مطرح شده ساخته و مدلی از پرسشنامه را در یک سری از مطالعات به کار بردند که حضور همه‌جانبه‌ی پنج عامل را در همه‌جا به اثبات می‌رساند [۲].

روان‌رنجوری یا تقابل سازگاری با ناسازگاری، مؤثرترین قلمرو مقیاس‌های شخصیت است. تمایل عمومی به تجزیه عواطف منفی چون ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت، مجموعه حیطه روان‌رنجوری (N) را تشکیل می‌دهد. افراد با نمره بالا در این حیطه، مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با استرس کنار می‌آیند [۳]. برون‌گراها (E) جامعه‌گرا بوده، اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطه برون‌گرایی دارای آن است. علاوه بر آن، دوست داشتن مردم، ترجیح گروه‌های بزرگ و گردهمایی‌ها، باجرات بودن، فعال بودن و پرحرف بودن نیز از صفات برون‌گراهاست. آن‌ها وقتی که بشاش باشند به برانگیختگی جنسی و تحریک تمایل دارند. مقیاس‌های حیطه‌ی (E) به‌طور قوی با علاقه به ریسک‌های بزرگ در مشاغل همبسته است [۴]. این افراد، انعطاف‌پذیر غیرسنستی و غیرمتعارف بوده و علاقه‌مندند همیشه سؤال کنند و آماده پذیرش عقاید سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جدید هستند. تجربه‌گرایی (O) به عنوان یک بعد اصلی شخصیت، خیلی کمتر از برون‌گرایی و روان‌رنجوری شناخته شده است. اشخاص تجربه‌گرا، هم درباره دنیای درونی و هم درباره دنیای بیرونی کنجکاو بوده و زندگانی آن‌ها از لحاظ تجربه غنی است. آن‌ها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های غیرمتعارف بوده و بیشتر و عمیق‌تر از اشخاص غیر تجربه‌گرا هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند [۵]. همانند برون‌گرایی، توافق‌پذیری (A) (دلپذیری) بعدی از تمایلات بین فردی است. یک فرد دلپذیر اساساً نوع‌دوست است. او نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک‌کننده هستند. در مقابل، فرد غیردلپذیر، ستیزه‌جو، خودمدار و نسبت به دیگران شکاک بوده و بیشتر به دنبال رقابت است تا همکاری.

فرد وظیفه‌شناس (C) (باوجدان)، هدفمند، با اراده و مصمم است. افراد موفق، موسیقیدانان بزرگ و ورزشکاران مطرح، این صفات را در حد بالا دارند. نمره بالا در وظیفه‌شناسی با موفقیت شغلی و تحصیلی همراه است. نمره پایین در وظیفه‌شناسی موجب می‌شود که فرد از باریک‌بینی

بر عهده دارد. فرزند، در خانواده، اصول اخلاقی، اجتماعی و قواعد ادب را کسب می‌کند و از طریق تماس با پدر، مادر و اطرافیان و با تقلید از رفتارهای آنان، روش زندگی خود را مشخص می‌سازد. Huver اعتقاد دارد که صفات شخصیتی والدین در نوع رفتار آنان نقش اصلی بازی می‌کند نتایج مطالعه وی نشان داد تعاملات بین فردی بر پایه دو صفت شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری قابل پیش‌بینی است. در مطالعه وی، ثبات هیجانی با میزان کنترل سخت‌گیرانه کمتر والدین، همبستگی داشت. همچنین ابعاد شخصیتی برون-گرایی، توافق‌پذیری و ثبات هیجانی پایین، به نسبت زیادی با سبک مقتدرانه همبستگی داشت [۹]. نتایج مطالعه‌ای نیز حاکی از این بود که والدین برون‌گرا، حمایت بیشتری از فرزندان داشته و سبک فرزندپروری آن‌ها بیشتر مقتدرانه بوده تا مستبدانه [۱۱]. Losoya نشان داد رگه شخصیتی باوجدان بودن با حمایت بیشتر والدین از فرزندان ارتباط داشت [۱۲] اما نتایج مطالعه Caspi حاکی از این بود که این رگه شخصیتی با حمایت والدین ارتباط ندارد. همچنین در مطالعه وی، بعد شخصیتی باوجدان بودن، ارتباطی با شیوه‌های فرزندپروری نداشت [۱۳]. نتایج مطالعه Madahi نیز نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با رگه شخصیتی روان‌رنجوری همبستگی منفی و سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه با رگه شخصیتی روان‌رنجوری رابطه مثبت داشت [۱۴].

شخصیت مجموعه پیچیده‌ای است که از عوامل مختلفی مانند عوامل ژنتیکی و رفتاری تأثیر می‌پذیرد. همچنانکه بیان گردید از جمله عوامل مهم تأثیرگذار و شکل‌دهنده شخصیت فرزندان، ابعاد ژنتیکی، رفتاری و عاطفی والدین است. در اکثر مطالعات، به ارتباط بین بیماری‌ها و اختلالات شخصیتی والدین بویژه مادران بستری در بخش‌های روان‌پزشکی با ابعاد شخصیت فرزندان پرداخته شده است و ارتباط بین ابعاد شخصیت والدین با ابعاد شخصیت فرزندان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. لذا مطالعه حاضر با هدف پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با پنج عامل بزرگ شخصیت والدین انجام گردید.

لازم، دقت و پاکیزگی زیاد اجتناب کند. افراد با نمره‌ی بالا در وظیفه‌شناسی، دقیق، خوش‌قول و مطمئن هستند اما افراد با نمرات پایین در وظیفه‌شناسی لزوماً فاقد اصول اخلاقی نیستند؛ اما در به‌کارگیری اصول اخلاقی، زیاد دقت ندارند [۶]. نکته مهمی که ذهن روان‌شناسان را به خود مشغول داشته چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد و صفات مطرح شده است. ژنتیک به همراه محیط اجتماعی و فرهنگی، از جمله عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت‌اند. این مسئله امری بدیهی است که خانواده، فرهنگ حاکم بر جامعه، رسانه‌ها، نهادها و متولیان آموزش، هر یک به نوعی در ساختن ویژگی‌های شخصیت فرد سهیم هستند؛ اما در خصوص تأثیر بر نحوه سازماندهی شخصیت افراد، خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است [۷]. والدین، اولین سازندگان خانواده‌اند؛ بنابراین، علاوه بر خصوصیات ژنتیکی، ویژگی‌های رفتاری و فکری آنان نیز تأثیر زیادی بر فرزندان خواهد داشت. در نتیجه، الگوی شخصیتی فرزندان می‌تواند تابعی از الگوی شخصیتی والدین باشد [۸].

از آنجایی که شخصیت هر فرد، نوع رفتار وی را مشخص می‌سازد لذا نحوه تعامل والد-فرزند و شیوه فرزندپروری والدین که مجموعه رفتارها، روش‌ها و گفتارهای والدین نسبت به فرزندان خود است نیز تابعی از الگوی شخصیتی آنان می‌باشد [۹]. شیوه‌های فرزندپروری به صورت شیوه‌های مستبدانه، سهل‌گیر و منطقی در نظر گرفته شده‌اند. در شیوه مستبدانه یا کنترل شدید، یک نفر رئیس تمام اعضای خانواده بوده، امر و نهی می‌کند، در همه کارها وارد عمل شده و همه امور تنها به اراده و میل او انجام می‌گیرد. در شیوه سهل‌گیر و بی‌تفاوت، خانواده، به‌جای محدودیت و نظارت شدید، اختیار و آزادی فراوان برای فرزند قائل می‌شود. در این خانواده، آزادی مطلق حکم‌فرماست، آزادی به معنای این که هر کسی، هر کاری خواست می‌تواند انجام دهد. در شیوه منطقی، دموکراتیک یا آزادمنش که عاقلانه‌ترین و انسانی‌ترین راه زندگی بوده رفتار والدین با فرزندان مبتنی بر ضوابط اعتدال و تعامل و صمیمیت اخلاقی است [۱۰].

بنابراین خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش مهم و ارزشمندی را در رشد شخصیت آدمی

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع مطالعات توصیفی و جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۳ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۲ نفر محاسبه گردید که در نهایت ۲۹۶ نفر (۹۴/۸٪) به سؤالات پاسخ کامل دادند.

پس از تصویب طرح در شورای پژوهشی دانشکده پزشکی، لیست دانشجویان از اداره آموزش اخذ و انتخاب افراد به شیوه تصادفی انجام شد. از آنجایی که هدف مطالعه بررسی ارتباط بود لذا افرادی که احتمالاً دچار گونه‌هایی از اختلالات شخصیت بودند از مطالعه حذف نشدند. با مراجعه به محل تحصیل (دانشکده‌ها)، محل زندگی (خوابگاه‌ها) یا محل کار (بیمارستان‌ها) افراد منتخب، اهداف مطالعه برای آنان شرح داده شد و در صورت رضایت، وارد مطالعه شدند. در این مطالعه پرسشنامه‌ها در قالب فرمت‌های الکترونیکی با استفاده از نرم‌افزار Googledoc طراحی و به ایمیل افراد منتخب ارسال گردید. به هر فرد منتخب سه ایمیل ارسال شد: یک ایمیل حاوی سؤالات پرسشنامه شخصیت نئو و سبک فرزندپروری بامریند برای پدر خانواده، ایمیل دوم شامل همین پرسشنامه‌ها برای مادر خانواده و ایمیل دیگر شامل پرسشنامه شخصیت نئو برای فرزند خانواده (دانشجوی منتخب). افراد پس از دریافت ایمیل و کلیک بر روی آن، به صفحه سؤالات هدایت شده و شروع به پاسخگویی کردند. پس از تکمیل پرسشنامه با کلیک بر روی کلمه ارسال، پاسخنامه برای فرستنده ارسال شد. در این سیستم، فرد پاسخگو، قابل شناسایی نیست و فقط پاسخ‌های ارسالی نمایش داده می‌شود. از مزایای روش ارسال الکترونیکی می‌توان صرفه‌جویی در هزینه چاپ و تکثیر، کاهش خطا در ورود اطلاعات به رایانه و نیز محرمانه بودن اطلاعات و پاسخ‌های داده شده را نام برد. کل مدت جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه با توجه به شیوه الکترونیکی، یک ماه به طول انجامید. اطلاعات پس از جمع‌آوری توسط نرم افزار SPSS تحت نسخه ۱۸ مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های کمی به صورت انحراف معیار \pm میانگین و داده‌های کیفی به صورت تعداد (درصد) گزارش شدند. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های آماری

همبستگی، تی‌مستقل و رگرسیون استفاده گردید و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

آزمون شخصیت نئو (NEO personality scale) در سال ۱۹۸۵ توسط Costa و McCrae ارائه [۱۵] و در سال ۱۹۸۹ بسط و توسعه داده شد. این آزمون در ایران توسط حق‌شناس در شیراز هنجاریابی گردید. این پرسشنامه از ۶۰ گویه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت به صورت «کاملاً موافق = ۴»، «موافق = ۳»، «نظری ندارم = ۲»، «مخالف = ۱» و «کاملاً مخالف = ۰» تهیه شده که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (برون‌گرایی، مقبولیت، وظیفه‌شناسی، روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی) را مورد پایش قرار می‌دهد بنابراین دامنه نمرات در هر گویه بین ۰-۴۸ است. نتایج ضرائب اعتبار پرسشنامه در نمونه‌ای از دانشجویان به فاصله ۳ ماه بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۳ به دست آمده است. در مطالعه‌ای، ضریب پایایی طولانی (۶ ساله) برای مقیاس‌های روان‌رنجوری، برون‌گرایی و گشودگی در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ و برای دو رگه مقبولیت و وظیفه‌شناسی (با فاصله ۲ سال) به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۶۳ گزارش شده است [۱۶].

مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند (Baumrind parenting style scale) دارای ۳۰ گویه است که توسط Baumrind [۱۷] طراحی و ساخته شد و به فارسی ترجمه شده است. این پرسشنامه، شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. شیوه سهل‌گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع و اطمینان بخش. Buri در سال ۱۹۹۱ برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده کرد و مشاهده نمود که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدارمنطقی او نداشت ($r=0/07$). همچنین وی برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری [۱۸]. در پژوهش Bitaraf، ضریب همسانی درونی پرسشنامه برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و منطقی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۰ و ۰/۷۹ گزارش شده است [۱۹].

یافته‌ها

($p < 0/001$) و وظیفه‌شناسی ($p = 0/005$) با هم تفاوت معنی‌داری داشتند.

در مقایسه سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری منطقی بیشترین میانگین را در گروه پدران ($39/57 \pm 3/67$) و مادران ($39/55 \pm 3/72$) داشت. پدران و مادران مورد مطالعه در سبک فرزندپروری مستبدانه با هم تفاوت معنی‌داری داشتند ($p < 0/001$) به طوری که میانگین نمره پدران بالاتر بود.

همبستگی ابعاد شخصیت والدین با ابعاد شخصیت فرزندان نیز بررسی شد. ابعاد شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی پدران با هیچکدام از ابعاد شخصیت فرزندان ارتباط معنی‌داری نداشت. اما ارتباط بعد شخصیتی تجربه‌گرایی پدران با بعد شخصیتی توافق‌پذیری فرزندان معکوس بود ($p < 0/001$). همچنین ارتباط بعد شخصیتی توافق‌پذیری پدران با بعد شخصیتی برون‌گرایی فرزندان معنی‌دار بود ($p = 0/045$) (جدول ۱).

از ۲۹۶ دانشجوی مورد بررسی، ۴۸/۶٪ پسر (با میانگین سنی $24/11 \pm 3/88$) و ۵۱/۴٪ دختر (با میانگین سنی $25/31 \pm 4/70$) بودند. میانگین سن پدران $51/06 \pm 5/32$ و میانگین سن مادران $47/52 \pm 6/03$ سال بود. در گروه پدران، نمرات ابعاد شخصیت نشان داد که بیشترین میانگین مربوط به بعد وظیفه‌شناسی $43/98 \pm 7/23$ و کمترین آن مربوط به بعد تجربه‌گرایی $19/12 \pm 4/63$ بود. در گروه مادران نیز بیشترین میانگین مربوط به بعد وظیفه‌شناسی $43/94 \pm 6/9$ و کمترین مربوط به بعد تجربه‌گرایی $21/54 \pm 5/06$ بود. میانگین نمره ابعاد روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی مادران به طور معنی‌داری بالاتر از پدران بود ($p < 0/001$).

ابعاد شخصیت فرزندان نیز مورد بررسی قرار گرفت. در گروه فرزندان پسر، بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی بیشترین میانگین ($40/33 \pm 7/22$) و بعد شخصیتی تجربه‌گرایی کمترین میانگین ($22/52 \pm 4/38$) را داشت. در گروه دختران نیز بیشترین میانگین مربوط به بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی ($42/60 \pm 6/50$) و کمترین میانگین مربوط به بعد تجربه‌گرایی ($23/10 \pm 4/87$) بود. پسران و دختران در ابعاد روان‌رنجوری

جدول ۱- ضرایب همبستگی ابعاد شخصیت پدران و فرزندان

| پدران | | ابعاد شخصیت | | |
|----------------|-------------|-------------|------------|-------------|
| ضریب همبستگی p | | روان‌رنجوری | برون‌گرایی | توافق‌پذیری |
| روان‌رنجوری | وظیفه‌شناسی | -0/023 | 0/059 | -0/043 |
| 0/778 | 0/266 | 0/778 | 0/475 | 0/598 |
| برون‌گرایی | 0/082 | 0/02 | 0/084 | -0/066 |
| 0/319 | 0/164* | 0/806 | 0/305 | 0/424 |
| تجربه‌گرایی | -0/004 | -0/158 | -0/014 | -0/04 |
| 0/961 | 0/073 | 0/053 | 0/862 | 0/628 |
| توافق‌پذیری | 0/104 | -0/08 | -0/017 | -0/291** |
| 0/203 | 0/118 | 0/333 | 0/837 | <0/001 |
| وظیفه‌شناسی | 0/07 | -0/051 | 0/142 | -0/041 |
| 0/398 | 0/098 | 0/532 | 0/083 | 0/618 |

* $p < 0/05$ ** $p < 0/01$

وظیفه‌شناسی مادر با برون‌گرایی ($p=0/001$) و توافق‌پذیری ($p=0/008$) فرزند معنی‌دار بود (جدول ۲).

ارتباط بعد شخصیتی برون‌گرایی مادر با برون‌گرایی ($p<0/001$) و توافق‌پذیری ($p=0/005$) فرزند، ارتباط بعد شخصیتی تجربه‌گرایی مادر با تجربه‌گرایی فرزند ($p=0/002$) و توافق‌پذیری مادر با برون‌گرایی ($p=0/006$) فرزند و

جدول ۲- ضرایب همبستگی ابعاد شخصیت مادران و فرزندان

| مادران | | ضریب همبستگی P | | | | |
|-------------|------------|----------------|-------------|-------------|---------|--|
| روان‌رنجوری | برون‌گرایی | تجربه‌گرایی | توافق‌پذیری | وظیفه‌شناسی | | |
| روان‌رنجوری | -0/102 | 0/055 | -0/015 | 0/034 | | |
| برون‌گرایی | 0/22 | 0/508 | 0/861 | 0/68 | | |
| تجربه‌گرایی | 0/001 | -0/092 | 0/227** | 0/298** | فرزندان | |
| توافق‌پذیری | 0/987 | <0/001 | 0/272 | 0/001 | | |
| وظیفه‌شناسی | 0/120/129 | -0/1 | 0/256** | 0/008 | | |
| | 0/231 | 0/002 | 0/356 | 0/926 | | |
| | 0/037 | -0/011 | 0/025 | 0/218** | | |
| | 0/657 | 0/893 | 0/761 | 0/008 | | |
| | -0/016 | -0/16 | 0/072 | 0/006 | | |
| | 0/848 | 0/131 | 0/387 | 0/941 | | |

$p<0/05^*$ $p<0/01^{**}$

($p=0/005$). همچنین سبک فرزندپروری منطقی پدران توانست ابعاد شخصیتی برون‌گرایی ($p=0/029$) و وظیفه‌شناسی ($p=0/004$) فرزندان را پیش‌بینی کند (جدول ۳).

جهت پیش‌بینی ابعاد شخصیت فرزندان بر حسب سبک‌های فرزندپروری از آزمون رگرسیون استفاده شد. سبک فرزندپروری استبدادی پدران توانست بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی فرزند را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کند

جدول ۳- پیش‌بینی ابعاد شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری مادران

| ملاک | روان‌رنجوری | برون‌گرایی | تجربه‌گرایی | توافق‌پذیری | وظیفه‌شناسی |
|----------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|
| پیش‌بین | | | | | |
| سهل‌گیر | $R=0/162$ | $R=0/036$ | $R=0/009$ | $R=0/061$ | $R=0/115$ |
| | $R2=0/026$ | $R2=0/001$ | $R2=0/000$ | $R2=0/004$ | $R2=0/013$ |
| | $P=0/051$ | $P=0/667$ | $P=0/914$ | $P=0/464$ | $P=0/167$ |
| مستبدانه | $R=0/084$ | $R=0/127$ | $R=0/109$ | $R=0/005$ | $R=0/230$ |
| | $R2=0/007$ | $R2=0/016$ | $R2=0/012$ | $R2=0/000$ | $R2=0/053$ |
| | $P=0/312$ | $P=0/128$ | $P=0/191$ | $P=0/952$ | $P=0/005^*$ |
| منطقی | $R=0/04$ | $R=0/18$ | $R=0/031$ | $R=0/105$ | $R=0/239$ |
| | $R2=0/002$ | $R2=0/033$ | $R2=0/001$ | $R2=0/011$ | $R2=0/057$ |
| | $P=0/636$ | $P=0/029^*$ | $P=0/71$ | $P=0/208$ | $P=0/004^*$ |

$p<0/05$

فرزندپروری منطقی مادران توانست بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی ($p=0/01$) فرزندان را پیش‌بینی کند. (جدول ۴).

از میان سبک‌های فرزندپروری مادران، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه توانست بعد شخصیتی تجربه‌گرایی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کند ($p=0/017$). همچنین سبک

جدول ۴- پیش‌بینی ابعاد شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری پدران

| ملاک | روان‌رنجوری | برون‌گرایی | تجربه‌گرایی | توافق‌پذیری | وظیفه‌شناسی |
|----------|-------------|------------|-------------|-------------|-------------|
| پیش‌بین | | | | | |
| سهل‌گیر | $R=0/114$ | $R=0/117$ | $R=0/194$ | $R=0/049$ | $R=0/117$ |
| | $R2=0/013$ | $R2=0/014$ | $R2=0/038$ | $R2=0/002$ | $R2=0/029$ |
| | $P=0/164$ | $P=0/154$ | $P=0/017*$ | $P=0/554$ | $P=0/037$ |
| مستبدانه | $R=0/079$ | $R=0/085$ | $R=0/005$ | $R=0/084$ | $R=0/031$ |
| | $R2=0/006$ | $R2=0/007$ | $R2=0/000$ | $R2=0/007$ | $R2=0/001$ |
| | $P=0/336$ | $P=0/304$ | $P=0/956$ | $P=0/307$ | $P=0/702$ |
| منطقی | $R=0/073$ | $R=0/005$ | $R=0/046$ | $R=0/018$ | $R=0/21$ |
| | $R2=0/005$ | $R2=0/000$ | $R2=0/002$ | $R2=0/000$ | $R2=0/044$ |
| | $P=0/373$ | $P=0/955$ | $P=0/578$ | $P=0/829$ | $P=0/01*$ |

بحث

هیچکدام از ابعاد شخصیتی فرزندان ارتباط نداشت. به نظر می‌رسد فرزندان از رگه‌های شخصیتی بازتر و سالم‌تر، بیشتر از رگه‌های مرضی و اختلالی مانند روان‌رنجوری الگو برداری کرده‌اند. از این منظر نتایج مطالعه حاضر با مطالعات قبلی مانند Koenig و Egberts همخوانی دارد [۲۰، ۲۱]. با وجود اینکه مطالعات یادشده در بستر فرهنگی متفاوت انجام شده بودند نتایج نشان داد که الگوهای باز و شاد شخصیتی به الگوهای باز شخصیتی فرزندان ارتباط دارد.

Zalewski [۲۲] و Petfield [۲۳] در مطالعه خود نشان دادند که فرزندان دارای مادر با اختلال شخصیت مرزی در معرض اختلالات روانی، افسردگی، سوء مصرف مواد و حمایت‌های پایین بیشتر قرار دارند. نتایج مطالعه Becht حاکی از این بود که برخی الگوهای شخصیتی والدین می‌تواند به پرخاشگری و نقض قانون در کودکان منجر شود [۲۴]. Van den عقیده بر این است از آنجایی که الگوی شخصیتی کودکان، ریسک فاکتوری برای مشکلات سازگاری است که تا زمان جوانی پایدار می‌ماند لذا والدین می‌بایست در رفتار خود که برگرفته از الگوی شخصیتی آنان است دقت خاص داشته باشند [۲۵]. در مطالعه Amianto مشخص گردید که

تعداد مطالعاتی که رابطه بین الگوهای شخصیت والدین با الگوهای شخصیت فرزندان را در جامعه به ظاهر سالم و غیر بیمار بررسی کرده باشند بسیار محدود است. اکثر مطالعات در مورد رابطه بین ابعاد شخصیت در زمینه بیماری‌ها و با تمرکز بر بیماران انجام شده‌اند؛ مطالعه حاضر حول دو محور قرار داشت: ۱- رابطه بین الگوهای شخصیت والدین با الگوهای شخصیت فرزندان و ۲- نقش سبک‌های فرزندپروری در میزان و نوع رابطه بین الگوهای شخصیت والدین با الگوهای شخصیت فرزندان. در قسمت اول مطالعه، نتایج نشان داد بعد شخصیتی تجربه‌گرایی پدران با بعد شخصیتی توافق‌پذیری فرزندان ارتباط معنی‌دار و معکوس و با بعد شخصیتی برون‌گرایی فرزندان ارتباط معنی‌دار و مستقیمی داشت. همچنین بعد شخصیتی برون‌گرایی و تجربه‌گرایی مادر با ابعاد شخصیتی برون‌گرایی و تجربه‌گرایی فرزند ارتباط معنی‌داری داشت. همچنان‌که مشاهده می‌گردد تأثیر رگه‌های شخصیت مادر بر فرزند از پدران بیشتر بود. نکته مورد تامل اینکه در مطالعه حاضر بعد شخصیتی روان‌رنجوری پدران و مادران با

مادران بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان بویژه فرزندان دختر بیشتر از پدران بود. که این مسئله با میزان ارتباط زمانی و عاطفی بیشتر مادر با فرزندان قابل توجیه است.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر حاکی از ارتباط ابعاد مختلف شخصیت والدین با ابعاد شخصیت فرزندان بود. ارتباط بین ابعاد شخصیتی غیر روان‌رنجور والدین با فرزندان بیشتر بود. همچنین ارتباط قوی‌تری بین ابعاد شخصیتی مادران با فرزندان به ویژه فرزندان دختر دیده شد. از آنجایی که تغییر صفات شخصیتی افراد سخت و کند صورت می‌پذیرد، بنابراین می‌توان با آموزش‌های لازم در این خصوص و آگاهی دادن به والدین در مورد این تأثیرات، آنان را در شکل‌دهی صفات شخصیتی بهنجارتر فرزندان کمک نمود. همچنین می‌توان با آموزش شیوه‌های فرزندپروری صحیح، به تربیت نسلی خلاق و شاد و خوش‌بین که به تعالی جامعه می‌اندیشد همت گماشت. نکته مهم اینکه برای دستیابی به رابطه بین شخصیت و سبک فرزندپروری نیاز به تحقیقات رشدی طولی است که به دلیل هزینه و وقت بالا ناچاراً به تحقیقات رشدی مقطعی روی آورده می‌شود که دارای اشکالاتی نیز می‌باشد. لذا توصیه می‌شود در پژوهش با حجم نمونه بیشتر آن‌هم در سنین مختلف به مقایسه مقطعی رابطه فوق پرداخته شود.

این طرح نیز به نوبه خود دارای محدودیت‌هایی بود. شیوه تکمیل الکترونیکی پرسشنامه برای شرکت‌کنندگان ناآشنا و جالب البته در برخی موارد که دسترسی به شبکه اینترنت وجود نداشت کمی چالش برانگیز بود؛ اما با این وجود، دقت در پاسخگویی، دقت در ورود اطلاعات به رایانه و صرفه‌جویی در مصرف کاغذ از جمله مزیت‌های آن بود.

این مطالعه به نوبه خود جزء معدود مطالعاتی بود که بدین شکل روابط متغیرها را مورد بررسی قرار داد. پیشنهاد می‌گردد مشابه چنین مطالعاتی در جوامع مختلف و در گروه‌های سنی متفاوت انجام شود و نتایج مورد مقایسه قرار گیرد.

تعارض منافع

یادآور می‌گردد هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

الگوهای خاص شخصیت والدین با برخی اختلالات فرزندان دختر نظیر اختلال خوردن ارتباط دارد [۲۶].

طبق نظریه Aysenck، برون‌گرایی با خلق مثبت و روان‌رنجورخویی با خلق منفی در ارتباط است. این نظریه از پشتوانه پژوهشی نیز برخوردار است [۲۷]. همچنین طبق نظریه Gary، برون‌گرایی و روان‌رنجوری، بازنمای تفاوت فردی در نیرومندی نسبی دو نظام فعال‌سازی و بازداری رفتاری است [۲۸]؛ بنابراین، رفتار فرد در جامعه و بویژه با اعضای خانواده می‌تواند تابعی مستقیم از الگوهای شخصیت وی باشد. بدین لحاظ سبک‌های فرزندپروری و نحوه برخورد والدین با فرزندان خود نیز برگرفته از الگوهای شخصیتی وی می‌باشند. البته در این بین از نقش محیط و تأثیر آن بر نحوه برخورد با کودکان نیز نباید غافل بود. اول اینکه یادگیری در این بین نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. معمولاً والدین جهت تربیت فرزندان خود به آموزش و یادگیری دست می‌زنند که می‌تواند بر نحوه رفتار با فرزند خود تأثیر بسزایی گذارد. دوم اینکه نحوه برخورد و رفتار فرزند با والدین نیز در رفتار والدین با فرزند تأثیر دارد [۸]. در اینجا از نقش بیماری‌ها و اختلالاتی نظیر بیش‌فعالی یا دردهای جسمی مزمن و یا سبک‌های دلبستگی کودک نباید غافل بود. بچه‌های ناآرامی که مدام خانواده را به چالش می‌کشند مسلماً رفتار متفاوت والدین را شاهد خواهند بود. رفتار متفاوت والدین می‌تواند به شکل‌گیری الگوی شخصیت متفاوت کودکان بینجامد [۲۹].

نتایج مطالعه حاضر حاکی از ارتباط بین صفات شخصیت فرزندان با برخی از سبک‌های فرزندپروری بود. سبک فرزندپروری مقتدرانه پدران با بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی و سبک فرزندپروری مقتدرانه مادر با بعد شخصیتی برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی فرزندان ارتباط داشت.

در این مطالعه مشخص گردید ارتباط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادران با بعد شخصیتی روان‌رنجوری دختران معنی‌دار و با بعد شخصیتی وظیفه‌شناسی آنها معنی‌دار و معکوس بود. همچنین ارتباط سبک فرزندپروری مستبدانه مادران با بعد شخصیتی روان‌رنجوری دختران معنی‌دار و معکوس و با وظیفه‌شناسی آنها معنی‌دار و مستقیم بود. همچنانکه مشهود است قدرت نفوذ سبک‌های فرزندپروری

سه‌م نویسنده‌گان

تشکر و قدردانی

در پایان لازم است از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان و کلیه کارکنان این مجموعه و همچنین از کلیه دانشجویان و والدین گرانقدر آنان که در انجام این مطالعه یاریمان نمودند، تشکر و قدردانی گردد.

محمد ناظر: نظارت بر فرآیند انجام مطالعه و نگارش مقاله،
محمد رضا مختاری: نگارش مقاله، احمد رضا صیادی: تجزیه و
تحلیل داده‌ها، فاطمه مشایخی: اجرای پژوهش

References

1. Safari SH, Goodarzi H. Personality and burnout among the faculty and staff of Islamic Azad University. *Journal of educational leadership & administration* 2009;3(3):85-101. [Persian]
2. Nilforooshan P, Ahmadi SA, fatehizadeh M, abedi MR, Ghasemi V. Studying the hierarchical structure of personality using the NEO-Five Factor Inventory. *Psychological studies* 2012;7(4):107-30. [Persian]
3. Farah BA, Peivastegar M, Sadr MS. The relationship between resiliency with five dimensions of personality and clinical disorders (depression, anxiety and somatization) in female undergraduate students of Alzahra University. *Psychological Studies* 2015;11(3):53-78.[Persian]
4. Shakerian A, Fatem A, Farhadian M. A survey on relationship between personality characteristics and marital satisfaction. *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences* 2011;16(1): 92-9.
5. Rushton JP, Irwing P. A General Factor of Personality (GFP) from two meta-analyses of the Big Five: and. *Personality and Individual Differences* 2008;45(7):679-83.
6. Magan D, Mehta M, Sarvottam K, Yadav RK, Pandey R. Age and gender might influence big five factors of personality: a preliminary report in Indian population 2014;58(4):381-8.
7. Hawkins-Rodgers Y. Adolescents adjusting to a group home environment: A residential care model of re-organizing attachment behavior and building resiliency. *Children and Youth Services Review* 2007;29(9):1131-41.
8. Monadi M. Time management class families of different economic, social and cultural. *Family research* 2005;1(2):161-77. [Persian]
9. Huver RM, Otten R, de Vries H, Engels RC. Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence* 2010;33(3):395-402.
10. Ezazi SH. Family sociology with emphasis on the role, structure and function of the family in modern times. Tehran: Roshangaran pub; 2000, 86.[Persian]
11. Belsky J, Barends N. Personality and parenting. In: Bornstein MH, editor. *Handbook of parenting: Vol 3 Status and social ecology of parenting*. 2. Mahwah, NJ: Erlbaum; 2002: 415-438.
12. Losoya SH, Callor S, Rowe DC, Goldsmith HH. Origins of familial similarity in parenting: A study of twins and adoptive siblings. *Developmental Psychology* 1997;33(6):1012-23.
13. Caspi A, Roberts BW, Shiner RL. Personality development: stability and change. *Annual review of psychology* 2005;56:453-84.
14. Madahi MA, Samadzadeh M. Educational style and personality traits. *Thought and behaviour* 2011;6(21):17-24. [Persian]

15. Costa, P. T., & McCrae, R. R. Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources, 1992.
16. Haghshenas H. Persian version and standardization of NEO Personality Inventory-Revised. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology 1999;4(4):38-48.
17. Baumrind D. Current patterns of parental authority. Developmental Psychology Monographs 1971;4(1,2):1-103.
18. Buri JR. Parental authority questionnaire. Journal of personality assessment 1991;57(1):110-9.
19. Bitaraf S, SHAEERI MR, MANSOUR HJ. Social Phobia, Parenting Styles, and Perfectionism 2010;7(25):75-82.
20. Egberts MR, Prinzie P, Dekovi M, de Haan AD, van den Akker AL. The prospective relationship between child personality and perceived parenting: Mediation by parental sense of competence. Personality and Individual Differences 2015;77:193-8.
21. Koenig JL, Barry RA, Kochanska G. Rearing difficult children: Parents' personality and children's proneness to anger as predictors of future parenting. Parenting: Science and Practice 2010;10(4):258-73.
22. Zalewski M, Stepp SD, Scott LN, Whalen DJ, Beeney JF, Hipwell AE. Maternal borderline personality disorder symptoms and parenting of adolescent daughters. Journal of personality disorders 2014;28(4):541.
23. Petfield L, Startup H, Droscher H, Cartwright-Hatton S. Parenting in mothers with borderline personality disorder and impact on child outcomes. Evidence Based Mental Health 2015;18(3):67-75.
24. Becht AI, Prinzie P, Dekovi M, Van den Akker AL, Shiner RL. Child personality facets and overreactive parenting as predictors of aggression and rule-breaking trajectories from childhood to adolescence. Development and psychopathology 2016;28(02):399-413.
25. Van den Akker AL, Dekovi M, Asscher JJ, Shiner RL, Prinzie P. Personality types in childhood: Relations to latent trajectory classes of problem behavior and overreactive parenting across the transition into adolescence. Journal of personality and social psychology 2013;104(4):750-64.
26. Amianto F, Ercole R, Marzola E, Daga GA, Fassino S. Parents' personality clusters and eating disordered daughters' personality and psychopathology. Psychiatry research 2015;230(1):19-27.
27. Rafienia P, Azadfallah P, Fathi-Ashtiani A, Rasoulzadeh-Tabatabaie K. The role of extraversion, neuroticism and positive and negative mood in emotional information processing. Personality and Individual Differences 2008;44(2):392-402.
28. Bartels DM, Pizarro DA. The mismeasure of morals: Antisocial personality traits predict utilitarian responses to moral dilemmas. Cognition 2011;121(1):154-61.
29. Najmi SB, Hassanzadeh A. Correlation between personality traits of parents and type of behavioral disorders in children. Journal of Fundamentals of Mental Health 2010;12(2):522-33. [Persian]

The Prediction of Child Personality Traits Based on Parenting Styles and its Relation with the Big five Factors of Parent Personality

Nazer M¹, Mokhtaree MR^{2*}, Sayadi AR³, Mashayekhi F⁴

1- Assistant Prof, Psychiatry Dept, Social determinants of health, Rafsanjan University of medical sciences, Rafsanjan, Iran

2-Msc of Educational Psychology, Rafsanjan University of medical sciences, Rafsanjan, Iran, (Corresponding Authur)

Email: mrmokhtaree@yahoo.com, Tel: +983434260080

3- Academic member, Social determinants of health, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran

4-Medical student, Rafsanjan University of medical sciences, Rafsanjan, Iran

Received: 11 October 2015

Accepted: 31 September 2016

Introduction: Development and formation of personality is affected by several genetics and environmental factors. Personality is the base of behaviors and parent-child relations have an influence on child's personality. This study aimed to investigate the relationship between the parents' personality characters with child personality characters given the role of parenting styles.

Materials and Method: 296 students of Rafsanjan University of Medical Sciences selected by Stratified random sampling method were enrolled in this study. Questionnaires were sent in the form of electronic files to emails of participants. Students and their parents completed the NEO Personality Inventory. In addition, Parents responded to Bamrind parenting questionnaire, Then the completed electronic files were sent back to the sender (the researcher). Finally, the data were analyzed by T-test, Pearson correlation and regression.

Result: The relation of Openness to experience of fathers with Agreeableness of Childs had a reverse significance ($p < 0.001$) and with extraversion had positive significant relationship ($p = 0.045$). In the personality characters of mothers, the relationship of mother extraversion with child extraversion ($p < 0.001$), mother Openness to experience with child Openness to experience ($p = 0.002$), mother Agreeableness with child extraversion ($p = 0.006$) and mother Conscientiousness with child extraversion ($p < 0.001$) and child Agreeableness ($p = 0.008$) was satirically significant. The mothers' democratic parenting style predicted extraversion of the child's and the democratic and authoritarian style of parents predicted Conscientiousness of the child.

Conclusion: Some personality traits of parents correlated with personality traits of children. The relationship of freer and healthier personality traits of parents with personality of children was more than disorders traits such as neuroticism. The relationship of children personality traits with mother's personality traits was more. The democratic and authoritarian parenting style of Parents also is able to predict some personality traits of Childs. The results of such studies should help Psychologists for better training and parents for better education of children to optimize the formation of personality traits.

Keywords: Personality, Parenting Style, Parents, Children

Please cite this article as follows:

Nazer M, Mokhtaree MR, Sayadi AR, Mashayekhi F. The Prediction of Child Personality Traits Based on Parenting Styles and its Relation with the Big five Factors of Parent Personality. Community Health journal 2016; 10(1): 29-39.

Funding: This research was supported by the research committee of Rafsanjan University of Medical Sciences.

Conflict of interest: None declared

Ethical approval: Code of Ethics Committee: IR.RUMS.REC.1394.142